

دوران قاجاریه و هنر

نگاهی به ترانه و موسیقی درین زمان

داریوش افراسیابی

دودمان قاجاریه نیز همچنان مانند اعقاب خود، یکه تاز و بدون حضور فعال جامعه، تکیه بر اریکه قدرت داشت، دربار آخوندهای درباری، و وارثان مذهبی این دوره نیز مانند گذشته، با بسط و گسترش هنرهای زیبا و کنکاش در این زمینه بطور عام موافق نبودند و سرسازش نداشتند، و با اندیشه‌های خود، بذر استبداد و تعصب را نیز آبیاری می کردند.

اجتماع در رخوت چندین صد ساله به سر می برد و حاکمیت خفقان نقش خود را در جامعه قاجار در جهت عقب نگه داشتن ایران به خوبی ایفا می کرد. دوران قاجاریه را در حقیقت عصر بی خبری جامعه ایران از پیشرفت‌هایی که در اروپا در جریان بود می توان نام گذارد. در این زمان رادمردانی بیدار دل و روشنفکر نیز بودند که در آرزوی پیشرفت و آزادی، کوششهای پر ارجی را در جهت بیداری جامعه متحمل شدند اما همچنانکه نتیجه را می بینیم، اوهام و خرافات و چاکر منشی برتری خود را تا به امروز حفظ کرده اند و اهریمن وار در یک مجموعه منسجم علی رغم تلاشهای انسان‌های اندیشمند، ساز خود را می نوازند. از لحاظ کارکرد سیاسی نیز این دوره در بطن خود دگرگونی ژرفی را شامل بوده است. ایران در زمان قاجاریه کشوری عقب مانده، و اصول اداره سیاسی آن بر حکومت فردی و قدرت مطلق و نامحدود شاه بر جامعه شکل می گرفت. خیانت و رشوه و چپاول از مسائل عادی این دوره به شمار می آمده است.

روحانیون در امور اجتماعی مردم دخالت می کردند، و خود از این طریق به انباشت ثروت و مال مشغول بودند. فقر و بیچارگی، گرسنگی سراسر جامعه را در نور دیده بود و مردم تحت فشار، از ضعف و عدم لیاقت پادشاهان قاجار در اداره کشور به تنگ آمده بودند. وام‌های سنگینی که مظفرالدین شاه برای خوشگذرانی و عیش و نوش و مسافرت به اروپا از همسایه شمالی ایران، روسیه گرفته بود و نفوذ روز افزون روسیه در ایران و فساد درباریان، همه و همه شرایط را در تاریخ ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۲۴ ه. ق برای صدور فرمان مشروطیت، آماده کرد. این فرمان تحول بزرگی در دگرگونی نظام اجتماعی و تغییرات در شالوده قدرت مالکان و کوتاه کردن دست روحانیون از دخالت در امور اجتماعی و مردم بوجود آورد. بنیان کهن و پوسیده اجتماع ایران را به لرزه در آورد و ملت را به زندگی سالم تری امیدوار کرد و خواست اکثریت، یا حاکمیت مردم به جای خواست اقلیتی یا طبقه حاکم در این زمان تحقق پیدا کرد.

این فرمان طبعا در جامعه ادبی کشور نیز تأثیر کرد و گروهی از شاعران و ادیبان را بر آن داشت که به این نهضت بپیوندند و آنان با آثار خود، هر چند به دشواری، به تبلیغ اندیشه‌های نوین و بیان عواطف و احساسات خود پرداختند.

ادوارد براون در کتاب خود از قطعه‌ای بعنوان «تصنیف من کلام مناره خانم» که امضای هوپ هوپ (یعنی هد هد) دارد یاد می کند، که این قطعه از حسرت و حیرت، پشیمانی ملتی ساده لوح که از مشروطه توقع آزادی و آسایش داشته و دستگیرش نشده حکایت می کند.

ننه جان خواب بودم خواب دیدم
ماه رمضان شد ننه جان
نان و گوشت ارزان شد ننه جان
خواب من دروغ بود ننه جان
هر چه دیدم دروغ بود ننه جان

ننه جان خواب بودم خواب دیدم

مشروطه به پا شد ننه جان
عیش فقرا شد ننه جان
خواب من دروغ بود ننه جان
هر چه دیدم دروغ بود ننه جان

ننه جان خواب بودم خواب دیدم

کوچه قشنگ است ننه جان
شهر ما فرنگ است ننه جان
خواب من دروغ بود ننه جان
هر چه دیدم دروغ بود ننه جان

ننه جان خواب بودم خواب دیدم

حمام تمیز است ننه جان
بشکن بریز است ننه جان
باز حمام خراب است ننه جان
بلدی به خواب است ننه جان
ننه جان گریه مکن غصه مخور
نان شکری می خرم واست
چادر زری می خرم واست
تاتو فکر رخت می کنی ننه
منو سیاه بخت می کنی ننه

علی اکبر شیدا

یکی از موسیقیدانان بنامی که در این دوره خوش درخشید و ترانه‌های او هنوز در خاطره‌ها بجای مانده، علی اکبر شیدا است.

شیدا در سال ۱۲۵۹ قمری در شیراز متولد شد و در سال ۱۳۲۴ هجری جهان را بدرود گفت. نام او میرزا علی اکبر شیرازی و تخلصش شیدا بود. با ترانه‌هایی چون صورتگر نقاش چین! امشب شب مهتابه، و در فکر تو بودم، محبوبیت زیادی بین مردم بدست آورد و مورد استقبال عام و خاص واقع گردید. ترانه‌های او از زیباترین قطعات موسیقی زمان قاجاریه می‌باشند. او در ترانه‌هایش واژه‌هایی را مورد استفاده قرار می‌دهد که زبان عامیانه و روزمره مردم است و نشاط و شور عاشقانه به شنونده می‌دهد، ساده و زیبا و دلنشین و با احساس و بیانگر حال شوریده و دردمند او. عارف، که همزمان با او و پس از وی نیز می‌زیسته، او را می‌ستاید و وی را بر خود مقدم می‌شمارد. از ترانه‌های بیاد ماندنی شیدا «صورتگر نقاش چین» است که دارای لطف و زیبایی مجذوب‌کننده‌ایست و در دوران معاصر نیز بازخوانی گردید:

صورتگر نقاش چین
رو صورت یارم ببین
یا صورتی برکش چنین
یا ترک کن صورتگری
آفاق را گردیده‌ام
مهر بتان سنجیده‌ام
بسیار خوبان دیده‌ام
اما تو چیز دیگری
ز دست محبوب چه ها کشیدم
به جز جفايش حبيبم وفا ندیدم
نه همزبانی که یک زمانی
به من گوید جان من غم که داری
نه همزبانی که یک زمانی
به من گوید جان من غم که داری
نوبت هجران گذشت
نوبت هجران گذشت
شد که عشق و صفا
شد که عشق و صفا

ترانه‌های شاد و تنوع کار او از نظر مضمون، باعث شد تا فضائی که سالها بر دل و جان مردم نشسته بود و سنگینی می‌کرد، شکافته شود. زبان ساده او در ترانه‌هایش که حاکی از شوریدگی و راز و نیاز او در خلوتش بود، صمیمانه به دل می‌نشست و تصویری از احساس فردی و خصوصی او بدست می‌داد که در وصف

معشوقی سروده شده، مانند این ترانه که از سعدی تاثیر پذیرفته و بیتی از او را نیز متضمن نموده است:

ای بت چین

باشد از لعل تو یک بوسه تمنای دلم
می‌کشم خجالت از این خواهش بیجای دلم
عاشق روی توام بسته موی توام
کشته خوی توام جانم ساکن کوی توام
من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفائی
عزیز من که تو بی مهر و وفائی
عهد نایستن از آن به که به بندی و نیائی
عزیز من که به بندی و نیائی
ای بت چین ای بت چین این صنم
حوروش و ماه جبین ماه جبین ای صنم
من از تو دوری نتوانم دگر
کز تو صبوری نتوانم دگر
عزیز دلم
زلفان برخساره چون افشان کنی
چو افشان کنی
حالت جمعی تو پریشان کنی
پریشان کنی
آشفته حال دل شیدا
دل شیدای من
من از تو دوری نتوانم دگر
کز تو صبوری نتوانم دگر
عزیز دلم

گرچه گاهی بیان شیدا از نظر ترانه سرایی خالی از ضعف نیست، اما سروده‌های وی که برخی بیانی شکسته دارند و با واژه‌های عامیانه ساخته شده‌اند، از انسجامی مطلوب برخوردارند.

اگر مستم من از عشق تو مستم
بیا بنشین که دل بردی ز دستم
آخ دلم پیش تو بنده، پیش تو بنده
یارم مشکل پسنده، مشکل پسنده
خوشگل پسنده،
مشکل پسنده،
خوشگل پسنده
مرا عشق رخت بیچاره کرده
میان کوه و دشت آواره کرده
آخ دلم پیش تو بنده پیش تو بنده
یارم مشکل پسنده، مشکل پسنده
خوشگل پسنده،
مشکل پسنده،
خوشگل پسنده
در فکر، در فکر تو بودم
که یکی حلقه به در زد
یکی حلقه به در زد
گفتم گفتم صنما، قبله نما
بلکه تو باشی
تو باشی تو باشی
تویی طیب من وای

تویی حبيب من وای
تویی نگار من وای
تویی طيب من وای
خير نبینی که من می سوزم
خير نبینی که من می سازم
تو که بی وفا نبودی
پر جور و جفا نبودی
تو که بی وفا نبودی
پر جور و جفا نبودی
آن که مرا از تو جدا می کند
خير نبیند که چه ها می کند

در این زمان تصانیفی دیگر نیز اجرا می شده، که دارای ملودی های زیبا و متنوع بوده و اشعاری دلنشین داشته، ولی از آهنگساز و شاعر این قطعات نشانی در دست نیست مانند:

عقرب زلف کجست، با قمر قرین است
تا قمر در عقرب، کار ما چنین است
کیه کیه در می زنه، من دلم می شنگه
در را با لنگر می زنه من دلم می شنگه
آی می ترسم، های می لرزم کرکه
مست است و با خنجر می زنه
من دلم می شنگه

یا قطعه دیگری که در مایه اصفهان و به وزن سه ضربی سنگین است:

امشب به بر من است، آن مایه ناز
یارب تو کلید صبح، در چاه انداز
امشب شب مهتابه، حبیبم را می خوام
حبیبم اگر خوابه، طیبیم را می خوام
خوابست و بیدارش کنید
مست است و هشیارش کنید
گوئید فلانی آمده
آن یار جانی آمده
آمده حال تو، احوال تو، سیه خال تو،
ببیند برود
امشب شب مهتابه ...

www.DAFRASIABI.COM